اخبار

«یتیم‌خانه ایران» در شبکه خانگی

نسخه نمایش خانگی فیلم سینمایی «یتیم‌خانه ایران» تازه‌ترین ساخته ابوالقاسم طالبی از روز گذشته توسط پخش موسسه هنرهای تصویری سوره توزیع شد. علاقه‌مندان می‌توانند برای دانلود حلال این فیلم سینمایی به مراکز توزیع شبکه خانگی یا سایت سینمامارکت مراجعه کنند. «یتیم‌خانه ایران» قطعه‌ای حذف‌شده از تاریخ معاصر ایران و داستان قحطی و خشکسالی عظیم ایران را در سال‌های ۱۲۹۵ تا ۱۲۹۷ در کوران جنگ اول جهانی و در زمان اشغال ایران به‌دست قوای بیگانه روس و انگلیس روایت می‌کند. علیرام نورایی، فرخ نعمتی، جعفر دهقان، داریوش اسدزاده، بهار محمدپور، علی شادمان، محسن حسینی، اصغر حیدری، ایمان صفا، شهرام تیموریان، مهری آل‌آقا، والا شهیدی، ملیکا شعبان، مصطفی بهشتی، مجید معافی، حمید تاج‌دولتی، برایان طرفه، برت جان کورن و درشن آناند در آخرین فیلم ابوالقاسم طالبی نقش‌آفرینی می‌کنند.

■■■

معرفی داوران داستانی پانزدهمین مهروارهٔ سوره

داوران بخش داستان پانزدهمین مهروارهٔ شعر و داستان جوان سوره معرفی شدند. به گزارش تسنیم، مجید قیصری، ساسان ناطق و علی‌اصغر عزتی‌پاک به عنوان داوران بخش داستان پانزدهمین مهروارهٔ شعر و داستان جوان سوره معرفی شدند. مجید قیصری‌زاده متولد سال ۱۳۴۵ در تهران است. . قیصری داور بخش داستان کوتاه و بلند بزرگسال یازدهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره بوده است. ساسان ناطق در سال ۱۳۵۴ در تبریز متولد شد. از وی تاکنون آثار متعددی همچون «روند ما را با خود می‌برد»، «سربازان چکمه‌پوش»، «کشاورز و سفره جادویی»، «روزه عقیل»، «خلیل در آتش» و «وقتی جنگ تمام شود» چاپ و منتشر شده است. علی‌اصغر عزتی‌پاک متولد سال ۱۳۵۳ از نویسندگان دفاع‌مقدس و انقلاب است. نخستین اثر ادبی عزتی‌پاک تحت عنوان «می‌مانم پشت در» در سال ۱۳۸۵ به عنوان کتاب سال حوزه هنری معرفی شد. «زود برمی‌گردم» دومین کتاب وی است که جایزه دوسالانه ادبیات کودک و نوجوان ایران را به خود اختصاص داد. سارا عرفانی نیز دبیر علمی پانزدهمین مهروارهٔ داستان جوان سوره است. مراسم پایانی این مهروارهٔ، امروز با حضور برگزیدگان و اهالی ادبیات در استان تهران برگزار می‌شود.

■■■

بهروز شعیبی در نقش «میرزا کوچک‌خان»

داستان مجموعه تلویزیونی «گیله‌وا» به کارگردانی اردلان عاشوری مربوط به روزهای پایانی جنگ اول جهانی، قحطی ایران و قیام جنگل است. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده قرار است بهروز شعیبی نقش میرزا کوچک‌خان جنگلی را در این مجموعه تلویزیونی ایفا کند. فیلمبرداری سریال «گیله‌وا» به عنوان یکی از تازه‌ترین محصولات مرکز فیلم و سریال سازمان هنری-رسانه‌ای اوج از اواخر خردادماه در کیاشهر گیلان آغاز شده است و هنوز بهروز شعیبی جلوی دوربین نرفته است. «ستاره اسکندری»، «حمیدرضا پگاه»، «مهران رجبی»، «مهدی زمین‌پرداز»، «امیرحسین هاشمی»، «علی عطایی»، «پریا مردانیان»، «ستاره حسینی» و «امیرحسین صدیق» از جمله دیگر بازیگرانی هستند که در مجموعه تلویزیونی «گیله‌وا» ایفای نقش می‌کنند. این سریال در تلاش است با نگاهی عاطفی به زندگی اجتماعی مردم در بستر اتفاقات تاریخی سال ۱۲۹۷ بپردازد و به نوعی روایتگر سبک زندگی و روابط اجتماعی و عاطفی مردم ایران و بویژه مردم خطه گیلان در ۱۰۰ سال گذشته باشد.

شعر رضوی

باد زانو می‌زند... گلدسته را بو می‌کند
دست هر آشفته‌ای را پیش تو رو می‌کند
در لباس خادمان مهربانت، صبح‌ها
صحن و ایوان طلا را آب و جارو می‌کند
می‌نشیند کنج بست «شیخ حر عاملی»
یاد معصومیت آن بچه آهو می‌کند
تا اذان صبح... مانند نگهبان درت
ذکر برمی‌دارد و... آهسته «یاهو» می‌کند
خادمی می‌گفت: با چشم خودش دیده ست باد
آن به آن مثل گلی گلدسته را بو می‌کند
چشم می‌دوزد به چشم زائران تشنه‌ات
دور سقاخانه و فواره «هو هو» می‌کند
باد عاشق... با پر طاووس مخصوص حرم
صحن را آغشته از گل‌های شب بو می‌کند
عطر نابی می‌وزد از کوچه باغ مرقدت
هر که می‌آید حرم... این عطر را بو می‌کند

مریم سقلاطونی

نتایج خنداننده‌شو چه می‌گوید؟

گمنامان خنداننده‌شو، سلبریتی‌های یک شبه

ارسلان عبادی: بعد از گذشت حدود ۴ ماه، فینال مسابقه خنداننده‌شوی خندوانه برگزار شد. مسابقه‌ای که شاید از گستره زمان پخش خود یعنی ساعت ۱۱ شب فراتر رفته و محتوایی جذاب برای گفت‌وگوهای روزمره بین مردم فراهم کرده بود. «مجید افشاری» و «میثم درویشان‌پور» ۲ فینالیستی بودند که در سالن همایش‌های برج میلاد به رقابت پرداختند و در نهایت میثم درویشان‌پور توانست به عنوان خنداننده برتر توسط مردم انتخاب شود. ۲ فینالیستی که از ۲ رویکرد کاملا متفاوت بالا آمدند و مهم‌تر از اینکه ۲ «خنداننده» برتر به فینال رسیده باشند، رقابت ۲ گفتمان در طنز بود که مردم یکی را بیشتر از دیگری پسندیدند، در حالی که می‌توانستند به هر دوی آنها رای دهند. یعنی ممکن بود یکی را بیشتر بپسندند و با این حال به هر دو رای دهند.

مجید افشاری در مسابقه اول خود با بیان انتقادات صریح اجتماعی و سیاسی به سرعت در شبکه‌های مجازی مطرح شد و توانست نظر مخاطبان را به خود جلب کند. مجید افشاری همواره نگاهی کلی و از بالا به پایین در پدیده‌های اجتماعی داشت. نگاهی که تلاش دارد در یک استندآپ به مقوله‌های فراوان، متکثر و متنوع و بعضا بی‌ربط به هم بپردازد و با کنایه‌های خاص و گاهی خارج از عرف مخاطب را به خنده وا دارد. او اما با گذشت زمان و با توجه به اینکه اصالت خنداننده‌شو به خنده مخاطب است، رویه عبور از خطوط هنجاری عرفی و خانوادگی را برای به خنده واداشتن مخاطب در قسمت‌های بعدی برگزید به گونه‌ای که برای نخستین‌بار در صداوسیما شاهد بیان مسائلی بودیم که پیش از آن سابقه چندانی نداشت. اما به نظر می‌رسد آنچه دیده شد و رسانه‌ها اعتراض وسیعی را نسبت به ناظران رسانه ملی داشتند، بخشی از استندآپ‌ها بود، زیرا افشاری اعتراض شدیدی علیه خندوانه و صداسیما برای سانسور(!) کردن صحبت‌هایش در صفحه مجازی خود ابراز داشت. نگاه کلی و بالا به پایین در کنار تلاش برای عبور از خطوط هنجاری ویژگی‌های افشاری بود که در شرکت‌کنندگان زن مابه‌ازایی به نام زینب موسوی داشت.

اما در سوی دیگر، میثم درویشان‌پور با کاراکتری مشخص از شخصیت واقعی‌اش، خود را در یک موقعیت اجتماعی قرار می‌داد و سپس این موقعیت کمیک را به عنوان خاطره بیان می‌کرد. مواجهه درویشان‌پور با مسائل اجتماعی مواجهه‌ای افقی و همردیف مردم بود. او علاوه بر اینکه نگاهی افقی و از میان مردم داشت، همواره به صورت خرد پدیده‌ها و معضلات اجتماعی را به طنازی می‌کشاند. دندانپزشکی، ترس از حیوانات، بچه‌های امروزی، سفر به ترکیه و... از جمله موقعیت‌هایی بود که درویشان‌پور خود را در آنها قرار می‌داد و لحظه‌های مفرحی را پدید می‌آورد و در عین حال مسائل اجتماعی و فرهنگی و بعضا سیاسی خود را مطرح می‌کرد. تشابه فینالیست‌های خنداننده‌شو، بیان مسائل اجتماعی در ماورای طنز است. در واقع مردم به کسانی رای داده‌اند که اگر چه بستری را برای خنده آنها فراهم کرده‌اند اما در عین حال به مسائل ملموس و روزمره جامعه ایرانی نیز اشاره دارند اما وجه افتراق آنها در نگاه به مردم است. درویشان‌پور در موقعیت‌هایی قرار می‌گرفت که همواره مردم عادی در آن رده قرار دارند اما طنزهای افشاری تلاشی بود برای اثبات اینکه از پفک به پاستیل رسیدن، تحول چندانی نیست. عاقلی در میان توده جاهل، شاید وصفی از جهانبینی افشاری در طنزهایش باشد. چارچوبی که دقیقا مهران مدیری با سیامک انصاری در فیلم‌ها و سریال‌های خود بویژه در «ساعت ۵ عصر» متبلور کرده است. در واقع مخاطب به زجرهای افشاری در میان توده جاهل-که مخاطب هم بخشی از آن می‌شود- می‌خندد. از سوی دیگر برخلاف درویشان‌پور، افشاری تلاش بسیار زیادی برای عبور از خطوط هنجاری و عرفی و اخلاقی جامعه ایرانی برای برجسته‌تر شدن داشت؛ بیان کنایه‌وار مسائلی که بیان آنها در رسانه ملی موجب تکثیر این ادبیات در بین ۸۰ میلیون ایرانی می‌شود و به همین جهت است که تبدیل گمنامان خنداننده‌شو به سلبریتی‌های یک‌شبه، ریسک فراوانی است که پیش‌بینی آن به راحتی میسر نخواهد بود. فارغ از زبان بدن افشاری که بازتولید همان مفهوم عاقلی در توده جاهلان است، وی در قسمت‌های آخر دیگر به شوخی بسنده نمی‌کرد و عملا و بدون واهمه به تمسخر افراد بویژه سیاستمداران روی آورده بود. سیاستمدارانی که البته فقط در یک جبهه می‌گنجیدند و به نظر می‌رسید وی در جبهه‌ای ایستاده و بنا دارد از آنتن سیما برای تمسخر جناح غیرخود استفاده کند. با این حال اولویت مردم در مواجهه با استندآپ‌ها و در کل مقوله طنز «خنده» است، یعنی حرف و سخنی و رفتاری که آنها را به خنده وادارد اما خندیدن در لحظه لزوما به معنای تایید یا لذت پایدار از خنداننده نیست. فارغ از اینکه مدیران رسانه‌ای و هنرمندان باید بدانند که سخن و کردارشان چه پیامدی بر مخاطبان دارد، مردم نیز خود همواره چارچوبی برای ارزیابی و فهم محتواهای رسانه‌ای دارند. هر چقدر که سواد رسانه‌ای مخاطبان بالاتر رود، این فهم نیز افزایش پیدا خواهد کرد. اما هنوز هم مردم با توجه به روح فطرت‌محورشان، ولو اگر به اثری بخندند، از آن لذت پایداری به دست نیاورده و نمی‌توانند به‌راحتی آن را بپذیرند. شاهد این ادعا عمده افرادی هستند که با سینمای کمدی مبتذل مواجه شده‌اند. عبور از خطوط قرمز و نگاه بالا به پایین کمدین زمانی می‌تواند بهترین راه خنداندن باشد که در رقابت با رقیبی «سالم» و همتراز با اختلاف پیروز شود.

این مقوله در سینما بسیار برجسته‌تر می‌شود. وقتی سینماگران عبور از خطوط هنجاری و دستاویز شدن به مسائل مبتذل را تنها راه خنداندن و در واقع «فروش» فیلم خود بدانند، بی‌شک سینمای طنز به سمت ابتذال کشانده شده و مردم را مجبور به خندیدن به مسائل مبتذل، سطحی و غیر عرفی می‌کنند. فارغ از اینکه این سینماگران توجهی به پیامدهای فرهنگی اعمال خود داشته باشند، باید سخن مردم را پس از خروج از سینما و گفت‌وگوهای روزمره مشاهده کرد. «اکسیدان» که بناست قسمت دوم آن در ترکیه با همکاری بازیگران «فاطماگل» تولید شود، خنده‌های زیادی را از مخاطب می‌گیرد، یا «نهنگ عنبر»ی که نه طنازی بلکه اعمال موزون و توهمات پوچ را دستمایه خنده می‌کند یا ابتذالی عجیب به نام «پا تو کفش من نکن» که فیلمفارسی بودنش مجالی به بررسی دقیق‌تر نمی‌دهد؛ آیا بناست این فیلم‌ها در لحظه حال مخاطب را خوش کنند و پس از سینما بر حال ناخوشش بیفزایند؟ باید از تک‌تک مخاطبان پرسید بعد از سینما چقدر حال بهتری دارند و چه میزان حال خوش‌شان پایدار مانده است؟ در این میان به نظر می‌رسد فروش بالای فیلم لزوما با رضایت مخاطبان از سینمای طنز همراه نیست بلکه «مردم نمی‌خواهند، اما مجبورند». اگر ما به‌ازای کمدی‌های مبتذل، رقیبی سالم حضور داشت و مردم حق انتخاب داشتند نه بین بد و بدتر بلکه بین خوب و بد، آنگاه شاید روش و استقبال معنای متفاوتی پیدا می‌کرد. به قول جوادطوسی هم‌اکنون «میزان، فروش یک فیلم نیست». در شرایطی که کمدی مبتذل و هنر ابتذال‌آفرین مدام در حال بازتولید خود هستند، به نظر نیاز است به سینمای کمدی سالم که نه‌تنها انسان را دچار ابتذال نکند بلکه خنده سالم و حال خوب کن را به وی ارزانی دارد. هنری که به نظر می‌رسد کمتر در پرده سینما و قاب تلویزیون قابل مشاهده است.

موسیقی

مراسم بزرگداشت استاد مجید انتظامی به پاس یک عمر پیشتازی در عرصه هنر ملی با حضور اهالی سینما و موسیقی در حوزه هنری برگزار شد

آقای موسیقی

مراسم بزرگداشت مجید انتظامی، نوازنده و آهنگساز، با حضور هنرمندان، سینماگران، مدیران فرهنگی و اهالی رسانه در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد. به گزارش مهر، در ابتدای این برنامه، محمدصادق امیری، کارگردان «بوایست» روی صحنه آمد و گفت: ۵ سال پیش به ذهنم رسید درباره استاد انتظامی مستندی بسازم. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در این مسیر مخالفت خود استاد با ساخته شدن این اثر بود. جا دارد از گلنوش انتظامی برای همکاری‌شان در ساخت این اثر تشکر کنم. از تواضع استاد انتظامی نیز باید تشکر کنم. ردیف‌های جلو و عقب را نگاه کنید، متوجه می‌شوید افرادی از طیف‌های مختلف حضور دارند، کارکرد موسیقی مجید انتظامی همین است، اینکه همه ما را دور هم جمع می‌کند.

■ **لوریس چکناواریان: به انتظامی افتخار می‌کنم**

در ادامه لوریس چکناواریان پشت تریبون قرار گرفت و گفت: او خدمت بزرگی به سینمای ایران کرده، مجید انتظامی از خانواده بزرگی است و من به حضور او افتخار می‌کنم. سپس محمدعلی باشه‌آهنگر، کارگردان سینما روی صحنه آمد و خطاب به مجید انتظامی گفت: هنگامی که در دانشکده سینما درس می‌خواندم موسیقی شما به من تصویرهای نویی می‌داد. شما زیر سایه آقای بازیگر سینمای ایران نماندید و مستقل کار کردید، شما و سینمای ایران یک رابطه دوطرفه داشتید. خیلی از تماشاگران اسم عوامل فیلم‌ها را نمی‌دانند اما نام شما را در فیلم‌ها به یاد دارند. وی افزود: بسیاری از فیلمسازان کوتاه و مستند هنوز دارند در آثار خود از موسیقی شما استفاده می‌کنند و چه جالب که موسیقی شما روی آثار آنها نیز نشسته است. برای آقای بازیگر سینمای ایران آرزوی سلامتی دارم، شما دیگر میوه یک درخت نیستید بلکه درخت تنومندی هستید که به وجود شما افتخار می‌کنیم. محمد سریر نیز بیان کرد: همه در جریان آثار مجید انتظامی هستند، بسیاری از موسیقی‌های متن آثار بزرگ توسط او ساخته شده است. بسیار مشکل است که از زیر سایه مرد بزرگی مانند عزت‌الله انتظامی فرزندی در حوزه موسیقی به صورت مستقل کار کند، مجید انتظامی از درون این سایه بلند شد و این بسیار مهم است. وی ادامه داد: مجید انتظامی با آثار خود یک چهره مستقل از خود بروز داد. این قدرت نفوذ آثار هنری است که در جایی فریز نمی‌شود. ما با آثار او زندگی کرده‌ایم و خاطره داریم. من با مجید شاید ۵۰ سال آشنایی دارم و می‌دانم که چقدر زحمت کشیده و در چه دوران‌هایی حتی با وجود داشتن کسالت آثار خود را تولید و ماندگار کرده است. امیدوارم آثار بیشتری را برای آیندگان به جا بگذارد.

کامران ملکی، سخنگوی خانه سینما نیز گفت: من از طرف مدیرعامل خانه سینما آمده‌ام زیرا او دچار کسالت شده است. وی افزود: انتظامی همواره تأکید دارد که باید نفس آهنگساز در اثر وجود داشته باشد و بسیار با وسواس به کار می‌پردازد، ضمن اینکه کمکی که مجید انتظامی به موسیقی کرده تربیت نوازندگان و حفظ آنهاست. حمید حامی نیز پس از اجرای قطعه خود گفت: خوشحالم در این روز مبارک انتخاب شدم که در اینجا باشم. او ستاره درخشان و فخر موسیقی ایران است. همیشه وقتی درباره سابقه من حرف زده می‌شود نام آقای انتظامی می‌آید و من نیز به این موضوع افتخار می‌کنم. جا دارد بگویم که چند روزی از فوت یکی از دوستان آقای انتظامی می‌گذرد و من هم می‌خواهم از ناصر فرهودی یادی کنم.

■ **میرکریمی: مجید انتظامی هنرمندی چندوجهی و عمیق است**

سپس سیدرضا میرکریمی روی صحنه آمد و اظهار کرد: حسرت من این است که موفق نبودم با مجید انتظامی همکاری کنم، انسان‌های چندوجهی عمقی ندارند اما مجید انتظامی هم چندوجهی و هم عمیق است. او سرشار از عمق و خلاقیت و نگاه است، خودخواه نیست که تنها به خود فکر کند. با این وجود در فعالیت‌های اجتماعی نیز حضور داشت و میزان تعهد او را نسبت به همکارانش و دیگران فهمیدیم. من با موسیقی‌های او بسیار خاطره داشتم و امیدوارم این اجازه را بدهند که با هم همکاری کنیم و برای من هم این افتخار ثبت شود و کمک کند که اثرم ماندگار شود. سپس گوهر خیراندیش بیان کرد: دردانه هنر امشب ستاره مجلس است. برای من آسان نیست درباره مجید انتظامی حرف بزنم، اول از همسر او تشکر می‌کنم. نمی‌خواهم صحبت‌های نخ‌نما شده درباره همسر او بزنم، همسر و دختر مجید انتظامی نیز هنرمند هستند. شیدایی‌ای که در این آدم وجود دارد باعث می‌شود در لحظه کسی را نشناسد، این باعث نمی‌شود که آدم ناراحت شود بلکه به خود می‌بالد کما اینکه یک‌بار هنگامی که مشغول نوشتن موسیقی بود من را نشناخت. همواره موسیقی او را در آثار حفظ می‌شنویم زیرا از جان او برمی‌خیزد و بر دل ما می‌نشیند. من سررشته‌ای در موسیقی ندارم اما متوجه موسیقی او می‌شوم. برای من امشب شبی فراموش‌نشدنی است.

■ **کامکار: موسیقی انتظامی هویت ایرانی و ملی دارد**

هوشنگ کامکار نیز عنوان کرد: از دوره جوانی با انتظامی از زمان تغییر ارکستر سمفونیک آشنا شدم. او یکی از بهترین نوازندگان بود، در آنجا هر کسی نمی‌توانست نوازندگی کند. شیوه کار او با ایده‌های من مطابقت دارد زیرا موسیقی او هویت ملی دارد، آثار او در خارج اگر اجرا شود بسیار برایش ارزش قایل می‌شوند و مردم استقبال می‌کنند. برای مثال چند وقت پیش شنیدم که یک گروه ایتالیایی آمدند و نواختند و سپس گروهی از ما هم به ایتالیا رفتند و «وردی» زدند که این جای تعجب دارد. در ادامه مسعود جعفری جوزانی نیز عنوان کرد: مجید یکی از افرادی است که همه حس خود را در ذره‌ذره فیلم می‌دمد. این برای من عجیب است و آن را دوست دارم. برخی موسیقی‌ها بسیار فاخر هستند اما چیزی برای آدم ندارند. این را هم باید بگویم که او از مردم خود نبریده است. سپس حسام‌الدین سراج پشت تریبون قرار گرفت و اظهار کرد: من از مجید انتظامی اخلاق‌مداری، صبر، متانت و مهربانی را آموختم و فکر می‌کنم بزرگ‌ترین ویژگی یک هنرمند جز این صفاتی که گفتم هوشمندی او است. مجید انتظامی ستون فقرات موسیقی است زیرا همواره می‌دانسته که چه چیزی را برای مردم انتخاب کند. برای او آرزوی طول عمر می‌کنم که آثار بیشتری را برای مردم خلق کند. در بخش دیگر از این مراسم، محسن مؤمنی‌شریف رئیس حوزه هنری، محمد حمزه‌زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری، هوشنگ کامکار، سیدرضا میرکریمی، لوریس چکناواریان و مسعود جعفری جوزانی روی صحنه حضور پیدا کردند و با اهدای لوح و یادبودی از مجید انتظامی تجلیل کردند.

مجید انتظامی در ادامه اظهار داشت: ما بسیاری از هنرمندان را از دست می‌دهیم و بسیار بی‌سر و صدا از کنار آن رد می‌شویم، گویا هنوز هم آن بهای لازم را به موسیقی نمی‌دهیم. ناصر فرهودی، آندره آرزومانیان و علیرضا خورشیدفر از بزرگان موسیقی ایران بودند که دوست داشتم یادی از آنها کنم. سپس آذرنوش صدرسالک، همسر او روی صحنه آمد که مجید انتظامی گفت: او همواره در کنار من بوده و گاهی اوقات من را در شرایط سخت در استودیو همراهی می‌کرد که تنها نباشم. گفتنی است در این مراسم هنرمندان و مدیرانی همچون محسن مومنی‌شریف رئیس حوزه هنری، محمد حمزه‌زاده رئیس سازمان سینمایی، آذرنوش صدرسالک همسر مجید انتظامی، لوریس چکناواریان، مسعود جعفری‌جوزانی، دکتر محمد سریر، هوشنگ کامکار، حسام‌الدین سراج، جمال شورجه، پوران درخشنده، رضا میرکریمی، سیدمحمود رضوی، احمد میرعلایی، علیرضا رئیسیان، گوهر خیراندیش، محمدحسین مهدویان، حسین زندباف، غلامرضا فرجی، یزدان عشیری، محمود کاظمی، محمدرضا شرف‌الدین، مهدی کریمی، محسن علی‌اکبری، محمدعلی باشه‌آهنگر، علی رویین‌تن، سیمون سیمونیان، ناصر باکیده، سعید الهی، دکتر سیدنظام موسوی، سیدمجتبی علوی، کامران ملکی، حمید قره‌داغی، محمدرضا شفاه، محسن یزدی، محمد فرنود، سیاوش حقیقی، حبیب اسماعیلی، اکرم محمدی، محمدرضا عرب، احمد عبداللهیان، محمد عبدی‌زاده، حسن امجدی‌مقدم و... حضور داشتند.

رویدادها

پیشنهاد حمیدرضا آذرنگ به خانواده‌ها

حمیدرضا آذرنگ با اشاره به فیلم «بیست‌ویک روز بعد» گفت: در روزگاری که فیلم‌های کودک و نوجوان بشدت مورد بی‌مهری قرار گرفته می‌شوند، تماشای فیلم «بیست‌ویک روز بعد» که یک سوژه درخشان و یک دغدغه اجتماعی بی‌نظیر در آن سیال هست را با کودکان خود از دست ندهید. به گزارش ایسنا، آذرنگ خاطرنشان کرد: من معتقدم کودکان امروز ما درگیر بازی‌های دیجیتالی و فضای مجازی شدند و دنیای واقعی را فراموش کرده‌اند. هیجانات و تجربیاتی که مختص دوران کودکی است و شخصیت بزرگی ما را از همان لحظه‌ها شکل می‌دهند، اکنون در حال مخدوش شدن است. ما دیگر کمتر کتابخوانی داریم، کمتر قصه‌گویی مادرانه برای کودکان‌مان داریم. جای آنها را موبایل، تبلت و بازی‌های بی‌رنگ و لعاب و غیر طبیعی گرفته‌اند، کودکان ما کمتر متریال‌های محیطی را تجربه می‌کنند، اینها بحران‌هایی است که بعدها آشکار می‌شود.

■■■

«حلب؛ سرخ و سپید» افتتاح شد

نمایشگاه عکس «حلب؛ سرخ و سپید» با آثار مرتضی شعبانی، عکاس و مستندساز که روایتی از آزادسازی حلب در سوریه است، همزمان با روز مقاومت اسلامی در نگارخانه مهر فرهنگسرای انقلاب اسلامی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی فرهنگسرای انقلاب اسلامی، در این نمایشگاه ۴۰ قطعه عکس از مرتضی شعبانی که روایتی از آزادسازی حلب سوریه است به نمایش در می‌آید. با توجه به اینکه موقعیت شهر حلب و آزادسازی آن یک موقعیت استراتژیک بود و محاصره این شهر چند سال به طول انجامیده بود، نگاه عکاس به تخریب شهر و فضاهای شهری معطوف به پس از آزادسازی این شهر است. مرتضی شعبانی از نوجوانی به عکاسی پرداخته و یکی از معروف‌ترین آثارش، عکس معروف شهید آوینی ۲ هفته قبل از شهادت ایشان در فکه است که شهید آوینی دست به سینه ایستاده است. افتتاحیه این نمایشگاه دوشنبه ۲۳ مردادماه همزمان با روز مقاومت اسلامی در نگارخانه مهر فرهنگسرای انقلاب اسلامی برگزار شد و بازدید از ۲۴ مرداد تا ۷ شهریور برای عموم علاقه‌مندان دایر است. این نگارخانه از ساعت ۹ تا ۱۹ دایر است. نگارخانه مهر فرهنگسرای انقلاب اسلامی در بزرگراه شهید نواب‌صفوی، تقاطع پل کمیل، ابتدای کمیل شرقی واقع شده است.

■■■

«دستواره سخن می‌گوید» به بازار آمد

کتاب «دستواره سخن می‌گوید» مجموعه سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سردار شهید محمدرضا دستواره توسط نشر ۲۷ بعثت روانه بازار نشر شد. به گزارش تسنیم، در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «سیدمحمدرضا دستواره، با آن روحیه شاداب و لب‌های همیشه خندان و بذله‌گویی‌های دلنشینش، هنوز از یاد و خاطره بچه‌های لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) بیرون نرفته است. چه زمانی که در جبهه مریوان همرزم حاج احمد متوسلیان بود، چه هنگامی که در بدو تأسیس تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) مسؤولیت واحد پرسنلی را برعهده گرفت و چه آنگاه که مسؤولیت فرماندهی تیپ ۳ ابوذر غفاری و قائم‌مقامی لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) به وی سپرده شد، روحیه‌اش تغییر نکرد. هر جا سیدمحمدرضا دستواره حضور داشت شادی در آنجا موج می‌زد». پژوهش و گردآوری کتاب «دستواره سخن می‌گوید» را سیدحسن شکری و طراحی جلد این کتاب را محمد لیایی برعهده داشته است. این کتاب با قیمت ۳۵۰۰۰ تومان روانه بازار شده است.

■■■

معرفی داوران جشنواره تلویزیونی مستند

سعید رشتیان، محسن یزدی و سیاوش سرمدی به عنوان اعضای هیأت داوران جشنواره تلویزیونی مستند انتخاب شدند و ۴۲ فیلم این بخش را داوری خواهند کرد. به گزارش فارس، رشتیان، رئیس هیات‌مدیره انجمن تهیه‌کنندگان مستند است، او مستندهای متعددی مانند «آینه فرهنگ ۱و۲» شامل ۳۰ اثر مستند، «ما هم در جنگ بودیم»، «تصویرسازان انقلاب»، «گفت‌وگو با انقلاب»، «تهران من»، «آخرین راه» و.. را تهیه کرده است. محسن یزدی، مدیرمرکز فیلم مستند سوره نیز روزنامه‌نگار و مستندسازی است که تولید فیلم‌های مستند «۹۹درصد» درباره جنبش وال‌استریت و «مسافر ایران» درباره حضور یک مادر شهید لبنانی در ایران را بر عهده داشته است. سیاوش سرمدی، خبرنگار و مستندساز و مدیر سابق دفتر Press TV در بیروت بوده است. فصل دوم جشنواره تلویزیونی مستند از ۱۷ تیر در شبکه مستند آغاز شده و طی آن ۴۲ اثر در ۳ بخش فیلم‌های بلند، نیمه بلند و کوتاه با یکدیگر رقابت خواهند کرد.